

# جانِ جہان

سید علی محمد مہاجر

محمد جعفری

کتاب

للمشاهیر







بِناَمِ خُداوندِ جان و نَسرو

# جان جهان

سنگدلی سنگدلی مهاجری

سنگدلی سنگدلی

جعفری، محمد

جان جهان / نویسندگان: محمد جعفری، علی محمد مهاجری، تهران: روزنامه همشهری، ۱۳۸۶.

۲۲ ص.

ISBN: 978-964-2924-18-9

کتاب همشهری: ۲۲

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا، (فهرست نویسی پیش از انتشار).

۱. محمدبن حسن، امام دوازدهم ۲۵۵ق. ۲. مهدویت - انتظار. ۳. محمدبن حسن، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - غیبت

الف. همشهری (روزنامه) ب. سازمان تبلیغات اسلامی د. عنوان

BP222/4/ج/۶۹ق ۲ ۱۳۸۶

۲۹۷/۴۶۲

۱۰۸۵۴۵۰

کتابخانه ملی ایران



عنوان کتاب: جان جهان

نویسندگان: محمد جعفری / سیدعلی محمد مهاجری

ناشر: روزنامه همشهری

با حمایت:

سازمان تبلیغات اسلامی

شماره کتاب: ۳۴

تاریخ انتشار: ۶ شهریور ۱۳۸۶

شابک: ۹ - ۱۸ - ۲۹۲۴ - ۹۶۴ - ۹۷۸

شمارگان: ۴۲۰ هزار نسخه

تلفن: ۸۸۸۰۰۶۲۶

پست الکترونیکی:

[Ketabehamshahri@hamshahri.org](mailto:Ketabehamshahri@hamshahri.org)

## غیبت امام زمان (عج)

غیبت امام مهدی - عجل الله تعالی فرجه - به دو دوره تقسیم می‌شود: «غیبت صغری» و «غیبت کبری».

غیبت صغری از سال ۲۶۰ هجری (سال شهادت امام یازدهم) تا سال ۳۲۹ (سال درگذشت آخرین نایب خاص امام) یعنی حدود ۶۹ سال بود. در دوران غیبت صغری، ارتباط شیعیان با امام به کلی قطع نبود و آنان، به گونه‌ای خاص و محدود، با امام ارتباط داشتند. در طول این مدت، افراد مشخصی به عنوان «نایب خاص» با حضرت در تماس بودند و شیعیان می‌توانستند به وسیله آنان مسائل و مشکلات خویش را به عرض امام برسانند و توسط آنان پاسخ دریافت دارند و حتی گاه به دیدار امام نائل شوند. از این رو می‌توان گفت در این مدت، امام، هم غایب بود و هم نبود.

این دوره را می‌توان دوران آماده‌سازی شیعیان برای غیبت کبری دانست که طی آن، ارتباط شیعیان با امام، حتی در همین حد نیز قطع شد و مسلمانان مؤظف شدند در امور خود به نایبان عام آن حضرت، یعنی فقهای واجد شرایط و آشنایان به احکام اسلام، رجوع کنند. اگر غیبت کبری یکباره و ناگهان رخ می‌داد، ممکن بود موجب انحراف افکار شود و ذهن‌ها آماده پذیرش آن نباشد. اما گذشته از زمینه‌سازی‌های مدیرانه امامان پیشین، در طول غیبت صغری، به تدریج ذهن‌ها آماده شد و بعد، مرحله غیبت کامل آغاز گردید. همچنین امکان

ارتباط نایبان خاص با امام در دوران غیبت صغری، و نیز شرفیابی برخی از شیعیان به محضر آن حضرت در این دوره، مسئله ولادت و حیات آن حضرت را بیشتر تثبیت کرد. با سپری شدن دوره غیبت صغری، غیبت کبری و درازمدت امام آغاز گردید که تاکنون نیز ادامه دارد و پس از این نیز تا زمانی که خداوند اذن ظهور و قیام به آن حضرت بدهد، ادامه خواهد داشت.

غیبت دوگانه امام دوازدهم - عجل الله تعالی فرجه - سالها پیش از تولد او توسط امامان قبلی، پیش گویی شده و از همان زمان توسط راویان و محدثان، حفظ و نقل و در کتابهای حدیث ضبط شده است که به عنوان نمونه به نقل دو حدیث در این زمینه اکتفا می کنیم:

۱. امیر مؤمنان - علیه السلام - فرمود: [امام] غایب ما، دو غیبت خواهد داشت که یکی طولانی تر از دیگری خواهد بود. در دوران غیبت او، تنها کسانی در اعتقاد به امامتش پایدار می مانند که دارای یقینی استوار و معرفتی کامل باشند.

۲. ابوبصیر می گوید، به امام صادق - علیه السلام - عرض کردم: امام باقر می فرمود: قائم آل محمد (عج) دو غیبت خواهد داشت که یکی طولانی تر از دیگری خواهد بود. امام صادق - علیه السلام - فرمود: بلی، چنین است...

سیر تاریخ، صحت این پیش گویی ها را تأیید کرد و همچنان که پیشوایان قبلی فرموده بودند، غیبت های دوگانه امام عینیت یافت.

### علل غیبت امام زمان (عج)

غیبت امام زمان - عجل الله تعالی فرجه شریف - از اموری است که عقل بشر به تنهایی از کشف همه اسرار آن ناتوان است و پیوسته مورد سؤال قرار گرفته و فکرها را مشغول نموده است، ولی باید توجه

داشت که براساس برخی روایات، علت و فلسفه واقعی غیبت امام مهدی (عج) سری از اسرار الهی است که حکمت آن بر بندگان پوشیده است و جز خدا و امامان معصوم - علیهم السلام - کسی نسبت به آن اطلاع کافی و کامل ندارد و تنها بعد از ظهور آن حضرت این مطلب روشن خواهد شد. لذا پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - می فرماید: «ای جابر! (غیبت امام زمان) سری از اسرار الهی می باشد که بر بندگان پوشیده است، مبادا در امر خدا شک کنی، چرا که تردید در امر خدا کفر است». بنابراین هرچند نمی توان به همه اسرار آن حضرت پی برد، اما با استفاده از روایات معصومین - علیهم السلام - به برخی از این علل و حکمت ها اشاره می کنیم:

**الف) آزمایش مردم:** چنان که می دانیم یکی از سنت های ثابت الهی آزمایش بندگان و گزینش صالحان و پاکان است، به طوری که صحنه زندگی همواره صحنه امتحان و آزمایش است تا بندگان از این راه در پرتو ایمان و استقامت و تسلیم خویش در پیروی از اوامر خداوند تربیت یافته و به کمال برسند و استعداد های نهفته آنان شکوفا گردد. شیخ طوسی (ره) می گوید: از سخنان پیشوایان اسلام برمی آید که آزمایش به وسیله غیبت حضرت مهدی (عج) از سخت ترین آزمایش های الهی است.

**ب) آزادی از بیعت طاغوت های زمان:** در برخی از روایات اسلامی آمده است که علت و حکمت غیبت امام مهدی (عج) این است که آن حضرت به وسیله غیبت از یوغ بیعت با طاغوت های زمان آزاد می شود و تعهد و بیعت با هیچ حاکمی را برعهده ندارد، تا بتواند در زمان قیام خود، آزادانه تلاش کند. دیگر امامان از روی تقیه حکومت ها را به رسمیت می شناختند، ولی امام مهدی (عج) مأمور به تقیه نیست.

**ج) حفظ جان امام مهدی (عج):** خداوند به وسیله غیبت امام دوازدهم (عج) جانش را از شر دشمنان حفظ نموده است. اگر مسئله

غیبت امام مهدی (عج) مطرح نبود «معتمد» عباسی که به خون آن حضرت تشنه بود، مانند پدران بزرگوار آن حضرت، امام مهدی (عج) را نیز شهید می‌کرد و زمین از حجت خداوندی خالی می‌شد. در این باره روایات فراوانی از امامان معصوم - علیهم‌السلام - به ما رسیده است.

امام پنجم (ع) فرمود: «برای قائم ما - امام مهدی (عج) - قبل از آنکه به پا خیزد غیبتی است».

راوی پرسید: «برای چه؟» حضرت فرمود: «به جهت این که ترس از کشته شدن او وجود دارد».

د) آمادگی جهان: ظهور حضرت مهدی (عج) به عنوان «خاتم‌الاولیا» و منجی بشریت و کسی که در کره زمین دین اسلام را بر تمامی دین‌ها پیروز می‌گرداند، قطعاً به زمینه و آمادگی جهانی نیازمند است. زیرا روش و سیره آن حضرت مبنی بر رعایت امور ظاهری و حکم به ظاهر نیست بلکه مبنی بر رعایت حقایق و حکم به واقعیات و ترک تقیه و مسامحه‌نکردن در امور دینی و احقاق حقوق و برقراری عدالت واقعی و اجرای تمام احکام اسلامی است.

### فلسفه غیبت امام غایب

مفهوم غایب بودن امام به این معنا نیست که وجود ناپیدا و رؤیایی دارد بلکه آن حضرت مانند سایر انسان‌ها از یک زندگی طبیعی، عینی و خارجی برخوردار است، به طوری که آن حضرت در میان مردم و در دل جامعه رفت‌وآمد دارد. او مردم را می‌بیند، ولی این مردمند که نمی‌توانند جمال مبارک آن حضرت را ببینند. به عبارتی دیگر هر چند امام مهدی (عج) ظهور ندارند ولی حضور دارند. به یک معنا این مردمند که از امام خویش غایبند.



چنان که مولای متقیان امام علی (ع) در این باره می فرماید: هنگامی که امام غایب از نسل من، از دیده‌ها پنهان شود و مردم با غیبت او از حدود شرع بیرون روند، و توده مردم خیال کنند که حجت خدا از بین رفته و امامت باطل شده است! سوگند به خدای علی (ع) در چنین روزی حجت خدا در میان آنهاست، در کوچه و بازار آنها گام برمی دارد، و در خانه‌های آنها وارد می شود، و در شرق و غرب جهان به سیاحت می پردازد و گفتار مردم را می شنود، و بر اجتماعات آنها وارد می شود، و سلام می کند، او مردم را می بیند، ولی مردم تا روز معین و وقت معین او را نمی بینند، تا جبرئیل میان آسمان و زمین بانگ برآورده و ظهور را اعلام کند. آیا می توان سندی گویاتر از امیرالمؤمنین (ع) پیدا کرد؟ ما با در دست داشتن این گونه اسناد محکم که همه آن را قبول دارند می گوئیم: امام (عج) در میان مردم و با مردم است و بر امور آنها نظارت دارد.

از آنجا که بشر دارای علم محدودی است لذا نمی تواند به اسرار خداوند پی برد و عجزولانه در مورد قضایای الهی قضاوت نماید. چنان که در قرآن کریم می فرماید: از دانش جز اندکی به شما داده نشده است.

این آیه نشان می دهد که مجهولات بشر به مراتب بیشتر از معلومات او می باشد. بنابراین اگر علم هزارها بلکه میلیون ها سال دیگر هم جلو برود هنوز معلومات او در برابر مجهولاتش بسیار مختصر و ناچیز است و تنها خداوند است که به همه چیز علم دارد و علم او ذاتی بوده و بی نهایت است. لذا کسی نمی تواند نسبت به وجود امری - مانند: غیبت امام زمان (عج) - به علت عدم کشف سر این امر اعتراض کند و آن را بی فایده و بی مصلحت بداند.

نکته مورد توجه اینکه غیبت امام زمان (عج) یک امر اتفاقی و بی سابقه نیست بلکه غیبت حجت های الهی در مقطعی از زمان در سنت الهی یک امر معمولی بوده است چنان که گروهی از اولیای الهی



(مانند حضرت خضر، موسی، یونس، عیسی، ابراهیم، صالح، ذوالقرنین و...) از دیدگان پنهان بوده‌اند ولی هرگز از حوادث و اوضاع زمان غفلت نداشتند و اوضاع را طبق مصالح رهبری می‌نمودند. اگرچه تصرفات آنها نیز از دیدگان مردم عادی پنهان بود.

باتوجه به این مقدمه اینک برخی از فواید وجود امام (عج) در عصر غیبت را به اختصار مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱. امام قلب عالم امکان و واسطه فیض الهی: طبق احادیث فراوانی که در موضوع امامت وارد شده می‌باشد، و براساس دلائلی که دانشمندان ارائه کرده‌اند، در بینش اسلامی، امام، جان جهان است و جهان به وجود او وابستگی دارد.

۲. پاسداری از آیین خدا: امیر مؤمنان (ع) در یکی از سخنان خود در مورد لزوم وجود رهبران الهی در هر عصر و زمان می‌گوید: خدایا چنین است، هرگز روی زمین از قیام‌کننده‌ای با حجت و دلیل، خالی نمی‌ماند، خواه ظاهر و آشکار باشد و خواه پنهان، تا دلائل و اسناد روشن الهی از بین نرود و به فراموشی نگراید...

برای آن که اصالت آیین الهی حفظ گردد و جلوی تحریفات و تغییرها و خرافات گرفته شود، باید این رشته به وسیله یک پیشوای معصوم ادامه یابد، خواه آشکار و مشهود و خواه پنهان و ناشناس. در هر مؤسسه مهم، صندوق آسیب‌ناپذیری وجود دارد که اسناد مهم آن مؤسسه را در آن نگهداری می‌کنند تا از دستبرد دزدان یا خطر آتش‌سوزی و امثال این‌ها محفوظ بماند. سینه امام و روح بلندش نیز صندوق آسیب‌ناپذیر حفظ اسناد آیین الهی است تا همه اصالت‌های نخستین و ویژگی‌های آسمانی این تعالیم را در خود نگهداری کند.

ابن حجر عسقلانی پس از نقل احادیثی حاکی از نزول حضرت عیسی (ع) به زمین هنگام ظهور حضرت مهدی (عج) و اقتدای او به آن

حضرت می نویسد: این که عیسی (ع) در آخرالزمان و نزدیک قیامت، به مردی از این امت اقتدا می کند و پشت سر او نماز می خواند، دلیل بر نظریه صحیح در میان دانشمندان اسلامی است که: زمین هرگز از وجود حجت که با دلائل و براهین آشکار، برای خدا قیام می کند، خالی نمی ماند.

۳. امیدبخشی: جمعیت شیعه طبق عقیده‌ای که به وجود امام زنده دارد، هر چند او را در میان خود نمی بیند، اما خود را تنها نمی داند، و اثر این عقیده در روشن نگه داشتن چراغ امید در دل ها و وادار ساختن افراد به خودسازی و آمادگی برای آن قیام بزرگ جهانی، کاملاً قابل درک است. پرفسور هانری کربن استاد فلسفه در دانشگاه سوربن (فرانسه) و مستشرق نامدار فرانسوی می گوید: به عقیده من مذهب تشیع تنها مذهبی است که رابطه هدایت الهی را میان خدا و خلق برای همیشه نگه داشته است و به طور مستمر و پیوسته، ولایت را زنده و پابرجا می دارد.

مذهب یهود، نبوت را که رابطه‌ای است واقعی میان خدا و عالم انسانی، در حضرت کلیم ختم کرده و پس از آن به نبوت حضرت مسیح و حضرت محمد(ص) ادعان ننموده و رابطه مزبور را قطع می کند. همچنین مسیحیان در حضرت مسیح متوقف شده‌اند. اهل سنت از مسلمانان نیز در حضرت محمد(ص) توقف کرده و با ختم نبوت در ایشان، دیگر رابطه‌ای میان خالق و مخلوق، موجود نمی دانند. تنها مذهب تشیع است که نبوت را با حضرت محمد(ص) ختم شده می داند، ولی ولایت را که همان رابطه هدایت و تکمیل می باشد، بعد از آن حضرت و برای همیشه زنده می داند.

### حکومت یا ولایت فقها در عصر غیبت

دلایل عقلی و نقلی، گواه نیاز جامعه بشری به حکومتی است که امورش را راه برد، کیانش را حفظ کند، آن را از عوامل فساد و زوال بازدارد، در جهت مصالح آن برنامه ریزی کند، زورمند را از تجاوز به



حقوق ناتوان نگه‌دارد، ستمگران را از آن دور کند، عدالت را در آن حاکم و راه‌ها را ایمن و همگان را در برابر قانون یکسان سازد.

بی‌گمان برای انسان، حالتی رنج‌بارتر از هرج و مرج نیست و دین اسلام، که کامل‌ترین ادیان و دارای پیشرفته‌ترین قوانین و سازمان‌ها است، هیچ‌یک از امور معنوی یا مادی زندگانی انسان را رها نکرده است و برای هر مسئله‌ای حکمی معین ساخته است. مهم‌ترین مسئله زندگی اجتماعی، ضرورت وجود حکومت است که اجرای بسیاری از احکام اسلام بدان وابسته است. لذا این شریعت مبین بدان اهمی خاص داشته و برای پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - ولایت مطلق قائل شده است: پیامبر به مؤمنان از جان‌های خودشان سزاوارتر است.

طبق این ولایت، حکومت عدل اسلامی به رهبری صاحب مقام رسالت و نبوت - صلی الله علیه و آله - برپا گشت، سپس خداوند دین خود را با ولایت امیرالمؤمنین و فرزندان پاکش، امامان دوازده‌گانه (ع)، کامل نمود و بر ولایت، به‌ویژه ولایت امیرالمؤمنین (ع)، تأکید کرد و آن را قرین ولایت خدا و رسول قرار داد. چنانکه در قرآن کریم آمده است: «جز این نیست که ولی شما خدا است و رسول او و مؤمنان که نماز می‌خوانند و در حال رکوع انفاق می‌کنند.» همچنین به رسول خود فرمان داد تا آن را در روز غدیر خم و در برابر انبوه مسلمانان اعلام کند: «ای رسول، آنچه را از پروردگارت بر تو نازل شده است، به مردم برسان، که اگر چنین نکنی، امر رسالت را ادا نکرده‌ای و خداوند تو را از مردم حفظ می‌کند. خداوند مردم کافر را هدایت نمی‌کند.»

همچنین هنگامی که با ابلاغ ولایت امیرالمؤمنین از سوی رسول خدا - صلی الله علیه و آله - دین کامل گشت، خداوند متعال فرمود: «امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام کردم و اسلام را دین شما پسندیدم.»

این است مقتضای بنیاد و حکومت خداوند متعال و معنای اسمای حسنی او و حاکمیت توحیدی اش. پس کسی را بر دیگری سلطه‌ای و حکومتی نیست، مگر آنکه خداوند به او چنین منزلتی بخشیده باشد. لذا حاکم، آمر و ناهی، سلطان و قاضی، خدا است و همه این شئون از لطف، رحمانیت، رحیمیت، عدل، حکمت و علم او سرچشمه می‌گیرد، که او است رحمان، رحیم، لطیف، عادل، حکیم، عالم و علیم.

مرحوم علامه حلی در «کشف‌الیقین» دلایلی بر لزوم نصب حکومت از سوی خدا و تعیین امام آورده و آنها را به هزار دلیل رسانده است. پس هر حکومتی که مشروعتش از حکومت الهی کسب نشده باشد، باطل و ناسره است.

بنابراین بر همه مکلفان واجب است که از حکومت الهی که در هر زمان و مکان در وجود امام معصوم جلوه‌گر است اطاعت کنند. بی‌شک نیاز مردم به حکومتی که اداره امورشان را به عهده بگیرد، همیشگی و همه‌جایی است و اختصاص به زمان و مکان خاصی ندارد و در این جهت میان عصر ظهور امام (عج) با عصر غیبت تفاوتی نیست و همان‌گونه که مردمان روزگار معصومان، در شهرهایی که ائمه (ع) حضور نداشتند، از طریق وکلا و سفرای آنان با ایشان در ارتباط بودند، در روزگار غیبت نیز مردم نیازمند کسی هستند که از طریق امام و به نیابت از ایشان عهده‌دار امورشان گردد. بنابراین همان‌گونه که خداوند با نصب امام (عج)، حجت را بر خلق تمام کرد، بر امام (عج) نیز، که از رسول خداوند (ص) ولایت بر مؤمنین دارد و امام خلق به‌شمار می‌رود، واجب است که در عصر غیبت خود، کسی را برای تأمین مصالح آنان تعیین کند و اجازه ندهد که مصالحشان در معرض تباهی و امورشان در آستانه نابودی قرار گیرد.

از این رو حضرت ولی عصر - ارواحنا له الفدا - در عصر غیبت صغری، برخی از بزرگان شیعه را به نیابت خاص خود برگزید.



به اجماع و اتفاق امت، این سرپرستی که نیابت عامه نام دارد، تنها از آن فقهای عادل است. بنابراین فقهای جامع‌الشرایط، صلاحیت دخالت در امور مسلمانان را طبق آنچه مصلحت اقتضا می‌کند دارند و هر تصمیمی که در مورد مسائل مسلمانان و اداره امور آنان بگیرند و قانونی که تشریح کنند، و هر حکومتی که تحت نظر آنان و با صلاح دید آنان شکل بگیرد، ناشی از ولایت امام - علیه السلام - و تحت مسئولیت ایشان خواهد بود. لذا احیای سنت، دفع بدعت، حفظ شریعت و سرپرستی امت به عهده آنان است. پس آنان جانشینان امام و قائم مقام او در شئون حکومتی و امینان او بر حلال و حرام هستند.

این ولایت، همان حکومت حق و مشروعی است که از روزگار خاتم انبیا - صلی الله علیه و آله - هرگز منقطع نشده و تازمانی که تکلیف باقی است، همچنان استمرار خواهد داشت.

ناگفته نماند که برای اثبات ولایت فقها در عصر غیبت علاوه بر ادله عقلی به پاره‌ای احادیث استناد شده که در کتاب القضاة مجموعه‌های اصلی حدیث گرد آمده است و شاید قوی‌ترین آنها از نظر دلالت، توقیع رفیعی است که شیخ صدوق در «اکمال الدین» به این شرح نقل کرده است: محمد بن محمد بن عصام کلینی - رضی الله عنه - برای ما حدیث کرد که محمد بن یعقوب کلینی از اسحاق بن یعقوب برای ما گفت که: از محمد بن عثمان عمری - رضی الله عنه - خواستم تا نامه‌ای را به امام برساند، نامه‌ای که در آن مسائلی را طرح کرده بودم که بر من دشوار گشته بود. پس توقیع شریف به خط مولایمان صاحب الزمان (عج) به دستم رسید و در آن فرموده بود: و اما درباره حوادث رخ داده، به راویان حدیث ما رجوع کنید، که آنان حجت من بر شمایند و من حجت خدا بر ایشانم و در آخر توقیع آمده بود: ای اسحاق بن یعقوب، درود بر تو و هرآنکه پیرو هدایت باشد.

حاصل آنکه، همان طور که به مقتضای حکمت و قاعده لطف، بر خداوند حکیم - جل اسمه - نصب امام و حجت و والی بر بندگان واجب است، بر امام و والی نیز واجب است که در مکان‌ها و زمان‌هایی که حضور ندارد و از آن غایب است، جانشینی برای خود معین و منصوب کند.

### فرهنگ انتظار

برای بیان کردن فرهنگ انتظار باید مؤلفه‌های انتظار بیان گردد؛ در تفکر شیعی، انتظار موعود به عنوان یک اصل مسلم اعتقادی مطرح است و در بسیاری از روایات بر ضرورت انتظار قائم (عج) تصریح شده است که به عنوان مثال روایات زیر را بیان می‌کنیم:

امام صادق (ع) به اصحاب خود فرمودند: آیا شما را خبر ندهم به آنچه خدای صاحب عزت و جلال، هیچ‌عملی را جز به آن سه از بندگان نمی‌پذیرد؟ گفتند: چرا. فرمود: گواهی دادن به این که چیزی شایسته پرستش جز خداوند نیست و این که محمد (ص) بنده و فرستاده اوست و اقرار کردن به آن چه خداوند به آن امر فرموده و ولایت ما و بیزاری از دشمنانمان و تسلیم شدن به آنان و پرهیزگاری و تلاش و مجاهدت و اطمینان و انتظار قائم (عج).

شیخ صدوق نیز از عبدالعظیم حسنی روایت می‌کند که: «روزی بر امام جواد (ع) وارد شدم و می‌خواستم که درباره قائم (عج) از آن حضرت سؤال کنم که آیا همان مهدی است؟ حضرت خود سخن را آغاز کرد و فرمود: ای ابوالقاسم! به درستی که قائم از ماست و اوست مهدی که واجب است در ازمان غیبتش انتظار کشیده شود و در ظهورش اطاعت گردد و او، سومین امام از فرزندان من است».

از اصول فرهنگ انتظار، اعتقاد قلبی به ظهور حضرت مهدی (عج)، است و منتظر مؤمن باید یقین داشته باشد حضرت قائم (عج) که امام



دوازدهم و فرزند بلاواسطه امام حسن عسکری (ع) است از روزی که متولد شده است تاکنون به همین بدن عنصری زنده و باقی است و روزی ظاهر می‌شود و جهان را پر از عدل می‌کند. و ظهور آن حضرت روز معینی ندارد که مردم بدانند، بلکه احتمال دارد همین امسال اتفاق بیفتد و احتمال هم دارد سال‌های بسیار تأخیر بیفتد.

در این فرهنگ همان‌طور که ایمان به مفهوم واقعی خود عبارت از علم و عمل، عقیده و تلاش و اعتراف و کوشش می‌باشد، انتظار نیز مفهومی است بااصالت و سازنده و از عالی‌ترین مکتب‌هایی است که می‌تواند جامعه اسلامی را در راه پیشرفت و تکامل جلو ببرد و به کلیه تلاش‌ها ارزش و اصالت بخشد.

در فرهنگ انتظار، منتظران چه فرد باشند و یا جامعه، در حال عبادت و پرستش به سر می‌برند و به بیان امام علی (علیه‌السلام) همانند مجاهد تلاش‌گری است که در راه خدا و احیای سنت‌های اسلامی در پرتو اعتقاد راسخ انتظارش، در خون خود می‌غلطد.

از این رو امام خمینی (ره) می‌فرماید: «ما منتظران مقدم مبارکش هستیم تا با تمام توان، کوشش کنیم تا قانون عدل الهی را در این کشور ولسی عصر (عج) حاکم کنیم و از تفرقه و نفاق و دغل‌بازی بپرهیزیم و رضای خدای متعال را در نظر بگیریم».

در امر انتظار، اصل اعتقادی بسیار مهم «معاد» همواره حضور دارد. این حضور در سه جهت نمودار است:

جهت اول: اینکه مهدی (عج) به هنگام ظهور، ستمگران را کیفر می‌دهد، و ظالمان را به سزای اعمال خود می‌رساند و مؤمنان را عزیز می‌دارد، و رحمت الهی را به سزاواران می‌چشاند و این خود نمونه‌ای است از کیفر و پاداش معاد و رستاخیز.

جهت دوم: اینکه به هنگام ظهور حضرت مهدی (عج) گروهی از

پاکان و پلیدان به جهان بازمی‌گردند و این خود قیامت صغرای است و نشانه‌ای است برای قیامت کبری.

جهت سوم: اینکه ظهور مهدی (عج) از «اشراف ساعت» است، یعنی علائم قیامت. یکی از علائم و نشانه‌های حتمی قیام قیامت و فرارسیدن رستاخیز، ظهور مهدی است. مهدی (عج) پیش از قیامت می‌آید، و تا او نیاید و حکومت عدل را در جهان برپای ندارد، عمر جهان به سر نمی‌رسد، و قیامت برپا نمی‌گردد.

پیامبر گرامی اسلام می‌فرمایند: «اگر یک‌روز از عمر دنیا باقی باشد آن‌روز آنقدر طولانی می‌شود تا آنکه مردی از اهل بیت من می‌آید و زمین را پر از عدل می‌کند همان‌طور که از ظلم و جور پر شده است».

### ضرورت انتظار

شیعه در اطاعت از دستورات مؤکد پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) مبنی بر پیروی از اهل بیت او، دست از محمد و آل محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) برنداشته و همواره در خط امامت حرکت نموده است و بیش از یازده قرن است که مهدی آل محمد (ص) را طلب می‌کند.

شیعه برای عقیده انتظار روایات متواتری از وجود مقدس پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و اهل بیت آن حضرت فراروی خود دارد که این روایات (روایات انتظار) را می‌توان به چند بخش تقسیم‌بندی نمود:

۱. روایات و امر به انتظار: امیر مؤمنان علی (علیه‌السلام) می‌فرمایند: «منتظر فرج باشید و از گشایش الهی مأیوس نگردید، به‌درستی که محبوب‌ترین اعمال نزد خدای عزوجل انتظار فرج است».

۲. روایاتی که فضیلت انتظار را بیان می‌کنند: امام رضا (علیه‌السلام) به نقل از پدرانش از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمودند: «برترین اعمال امت من انتظار فرج از سوی خداوند بزرگ است».



۳. روایات و وظیفه منتظران، که در بخش گذشته مفصلاً به آن پرداختیم.

آیا انتظار تکلیف است؟! اصولاً ماهیت زندگی انسان با انتظار عجین شده است به گونه‌ای که بدون آن زندگی مفهومی ندارد و شور و نشاط لازم برای تداوم آن در کار نیست.

انتظار، امید به آینده است و بدون امید، تلاش و تکاپو ممکن نیست. لزوم انتظار و امید به‌طور کلی در حیات بشری چنان بدیهی و روشن است که برای اثبات آن نیازی به اقامه دلیل و برهان نیست.

این عنصر حیاتی از دیدگاه عقل و نقل تکلیف است. اینکه عقلاً تکلیف است، زیرا انتظار راه‌گشایی برای حکومت عدل و ایجاد عدالت است و عقل حکم به حسن عدل و لزوم ایجاد عدالت می‌کند. بنابراین، راه‌گشایی و فراهم نمودن زمینه آن، هم لازم و هم تکلیف است. پس انتظار فرج تکلیف و ضروری است.

اینکه نقلاً واجب است انسان در دوران غیبت، منتظر منجی عالم باشد به دلیل روایات زیادی که در باب انتظار وجود دارد ثابت می‌شود که در بخش گذشته مختصراً به بعضی از آنها اشاره شد.

**وظایف منتظران؛** در روایات، برای انتظار فرج، ثواب‌های زیادی، بیان شده است.

روایاتی چون: «بهترین اعمال پیروان ما انتظار فرج است» به گونه‌ای از این فضیلت‌ها اشاره دارد.

با دقت در این روایت و روایات مشابه روشن می‌شود که در فرهنگ اهل بیت - علیهم‌السلام - انتظار نه صرفاً یک حالت روانی، بلکه از مقوله عمل شمرده شده است، پس اگر انتظار، یک عمل است، منتظر هم باید عامل باشد.

اگر منتظران با وظایف خود آشنا نباشند و به آن عمل نکنند، تاریخ

تکرار خواهد شد و همان گونه که در زمان امام حسین - علیه السلام - شیعیان فراوانی وجود داشتند، لیکن از میان آنها، تنها ۷۲ نفر به وظیفه خود عمل کردند و لذا امام حسین - علیه السلام - تنها ماند و آنچه نمی‌بایست اتفاق بیفتد، اتفاق افتاد، در زمان غیبت هم، چنانچه شیعیان به وظایف خود عمل نکنند، امام زمانشان تنها خواهد ماند و ظهورش به تأخیر خواهد افتاد.

در اینجا پاره‌ای از وظایف شیعه در دوران غیبت را برشمرده و به توضیح برخی از آنها می‌پردازیم:

وظایف منتظران در دو مقوله فردی و اجتماعی قابل بررسی است:

#### وظایف فردی:

۱. معرفت نسبت به امام: اولین و مهمترین وظیفه‌ای که هر شیعه منتظر برعهده دارد کسب معرفت نسبت به وجود مقدس امام و حجت زمان خویش است.

در روایتی که از امام محمد باقر (ع) نقل شده آمده است: هر کس در حالی که امامش را نشناسد بمیرد مردنش مردن جاهلیت است، و هر آنکه در حال شناخت امامش بمیرد، پیش افتادن یا تأخیر افتادن این امر - دولت آل محمد (ص) - او را زیان نرساند و هر کس بمیرد در حالی که امامش را شناخته همچون کسی است که در خیمه قائم با آن حضرت باشد.

توجه به معانی دعا‌هایی که در عصر غیبت توصیه به خواندن آنها شده است ما را به اهمیت موضوع شناخت امام رهنمون می‌کند. در دعای معروفی که در کتاب کمال الدین نقل شده می‌خوانیم: بارالها خودت را به من بشناسان که اگر خودت را به من شناسانی پیغمبرت را نخواهم شناخت. بارالها پیغمبرت را به من بشناسان که اگر پیغمبرت را به من شناسانی حجت تو را نخواهم شناخت. بارالها حجت خود

را به من بشناسان که اگر حجت را به من شناسانی از دینم گمراه می‌گردم. خداوندا مرا به مرگ جاهلیت نمیران و دلم را پس از آنکه هدایت فرمودی، منحرف مگردان.

بی‌تردید مقصود از شناختی که امامان ما (علیهم‌السلام) تحصیل آن را نسبت به امام زمانمان امر فرموده‌اند، این است که ما آن حضرت را چنان که هست بشناسیم به گونه‌ای که این شناخت سبب در امان بودن ما از شبهه‌های ملحدان و مایه نجاتمان از اعمال گمراه‌کنندگان و مدعیان دروغین باشد و این چنین شناختی جز به دو امر حاصل نمی‌گردد: یکی شناخت شخص امام (عج) به نام و نسب و دیگری شناخت صفات و ویژگی‌های حضرت و جایگاه و مقامی که نزد خداوند دارد.

باید اذعان داشت که مهدویت و انتظار، نه از حیث عقیدتی، نه از حیث اندیشه و تفکر، و نه از حیث سلوک و رفتار، عمق چندانی در بین مردم و خصوصاً جوانان ما ندارد و در همین راستا، ضررهای فراوانی متوجه نظام ما شده است.

مهم‌ترین ریشه این مشکل، برخورد سنتی مردم با مهدویت و انتظار است، متأسفانه مردم ما عادت کرده‌اند، آنچه را که آسان‌تر است و برای تأمین زندگی مادی و عادی آنان، سودمندتر به نظر می‌رسد، برگزینند و گرایش کمتری به مقوله‌های معرفتی و تعهدآور داشته باشند. مثلاً مداحی‌ها را بر سخنرانی‌ها و دریافت پیام‌های مهدویت و انتظار ترجیح می‌دهند، و در نیمه شعبان بیشتر مشغول تزیین معابر و برگزاری جشن‌ها می‌شوند و کمتر برای بالابردن سطح معرفت تلاش می‌کنند. (البته باید توجه داشت که تزیین معابر و برگزاری جشن‌ها و چراغانی‌ها هرچه بیشتر و بهتر باید انجام شود، اما باید رفتار ما به گونه‌ای باشد که علاوه بر استفاده از نور ظاهری آنها، از نور معرفت آنها بهره‌مند گردیم).



اکثر مردم، زیارت جمکران و نماز صاحب‌الزمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - را تنها ابزاری برای درخواست حوائج از آن بزرگوار برمی‌شمارند و به جای آن که امام را برای امام بخواهند، امام را برای خود می‌خواهند و از این که شناختی نسبت به مقام و مرام آن عزیز ندارند، کمبودی حس نمی‌کنند، گویا هیچ وظیفه‌ای در ایام غیبت امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - بر عهده افراد گذاشته نشده است.

۲. محبت داشتن نسبت به امام: در قرآن کریم آمده است: «بگو از شما مزدی در مقابل رسالتم نمی‌خواهم الا محبت خاندانم.» امام زمان (عج) می‌فرمایند: پس باید هر یک از شما کاری را انجام دهد که او را به محبت ما نزدیک می‌کند.

برخی از جلوه‌های محبت از این قرارند:

یاد حضرت: مؤمنان باید تمام معصومین (ع) را با تعظیم و احترام یادآور باشند اما در این میان امام مهدی (عج) از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

**دعا برای سلامتی و ظهور حضرت:** اکثر والدعاء بتعجیل الفرج (برای تعجیل در فرج بسیار دعا کنید). امام رضا (ع) دائماً دیگران را سفارش می‌کردند که برای حضرت مهدی (عج) دعا کنند.

**صدقه دادن برای سلامتی حضرت:** رسول خدا (ص) می‌فرماید: ایمان نیاورده احدی از شما مگر این که من و اهل بیتم نزد او محبوب‌تر از جان و فرزندش و تمام مردم نزد او باشیم.

حال با چنین اوصافی فرد مؤمنی که برای سلامتی فرزند یا خانواده‌اش که سفر کرده‌اند دعا می‌کند و صدقه می‌دهد پس به طریق اولی برای امام زمان (عج) که برای او از زن و فرزندش عزیزتر است صدقه می‌دهد و دعا می‌کند.

تلاش در کسب رضایت او: اعمال و رفتار و گفتار منتظر بایستی بر وفق رضای محبوب باشد. منتظر باید ببیند، امام چه می‌پسندد، آیا از کار او راضی است یا نه؟

اشتیاق برای ملاقات حضرت: از احمد ابن ابراهیم روایت شده: به جناب ابو جعفر محمد بن عثمان (نائب خاص امام در غیبت صغری)، اشتیاقم را به دیدار مولایمان حجت بن الحسن (عج) بیان کردم به من فرمود: با کمال اشتیاق مایل هستی او را ببینی؟ گفتم آری، فرمود: خداوند پاداش شوق تو را عنایت کند و دیدن رویش را به آسانی و عافیت به تو روزی کند...

۳. تأسی به حضرت: پیروی کردن از آن جناب و الگو قرار دادن او در اخلاق و اعمال تا حدی که مؤمن به مقتضای حال خود می‌تواند انجام دهد، معنی شیعه آن حضرت بودن است. چنانکه در نامه امیرالمؤمنین به عثمان ابن حنیف، فرماندار بصره آمده است: توجه کنید که هر مأمومی را امامی است که به او اقتدا می‌کند و از نور علمش برخوردار می‌گردد.

در «روضه کافی» از امام زمان (عج) آمده است: ... آگاه باشید که مبعوض‌ترین مردم نزد خداوند کسی است که پیرو سنت و مذهب امامی بوده باشد و به اعمالش اقتدا نکند. اما برخی از صفات حضرت که در آنها باید به ایشان تأسی نمود عبارتند از:

تقوا و تهذیب نفس: پاک‌سازی درون از صفات پلید و زیور دادن آن با صفات پسندیده در هر زمان واجب است.  
صبر و طلب آن از خداوند: یکی دیگر از صفات پسندیده که باید منتظران آن حضرت در مورد آن به حضرت مهدی (عج) اقتدا کنند صبر و بردباری است.

صبر در زمان غیبت بر چند نوع است: ۱) صبر بر طول غیبت، به این که در مورد غیبت امام (عج) شتاب نکنند و شتابزده نباشند که باعث قساوت قلبهایشان می شود. ۲) صبر کردن مؤمن بر آنچه از آزار و استهزاء و تکذیب و مانند آن از مخالفان خود می بیند. ۳) صبر بر اقسام بلاها و محنت‌هایی که بر او وارد می شود.

**عدالت:** بارزترین صفت نیکوی امام زمان (عج) عدالت است، لذا به عدل ملقب گردیده است، چنانکه در دعایی که از خود آن حضرت در شب‌های ماه مبارک رمضان روایت شده (دعای افتتاح) آمده است: پروردگارا درود فرست بر ولی امرت که قیام‌کننده و امید مردم و عدل منتظر است.

**سخاوت:** در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: «حضرت مهدی (عج) بخشنده‌ای است که مال را به وفور می بخشد». و در روایتی دیگر از امام رضا (ع) آمده است: «حضرت مهدی (عج) بخشنده‌ترین مردم است».

**وظایف اجتماعی:** این وظایف در دو بخش قابل بررسی است: الف) وظایف مردمی و ب) وظایف حاکمیتی.

**الف) وظایف مردمی:** ۱. دفاع و حمایت از حرکتهایی که در جهت اهداف حضرت باشد مثل انقلاب اسلامی ایران. ۲. تکریم و بزرگداشت نام و یاد حضرت از راه‌های: برقراری مجالسی که فضائل و مناقب حضرت ذکر می شود و نیز مجالس تکریم حضرت و جشن‌ها و شرکت در مجالس بزرگداشت.

**ب) وظایف نهادهای حکومتی:** ۱. بسط فرهنگ مهدویت، از طریق راه‌کارهای مناسب در بین مسلمانان و غیرمسلمانان جهان. ۲. شرح و بسط دادن فرهنگ مهدویت: از آن جایی که امروزه نظریه‌های مختلفی در مورد پایان تاریخ مطرح است و تنور بحث «جهانی شدن» داغ می باشد،



بایستی حکومت جهانی امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - را با عنوان بهترین نظریه و کارآمدترین گزینه برای پایان تاریخ به جهانیان معرفی کرد. ۳. ارائه الگوهای مناسب از حکومت دینی به جهانیان، تا این که در پرتو آن، جامعه جهانی به حکومت مهدوی علاقه مند شده و مهیای آن گردد. ۴. فراهم ساختن زمینه های مردمی برای ظهور حضرت. پیامبر گرامی اسلام (ص) می فرمایند: ... یوطئون للمهدی سلطانة. (منتظران آن حضرت مقدمات حکومت او را آماده می کنند) ۵. شناسایی اهداف حکومت جهانی (مانند: عدالت، بسط معنویت، امنیت، رفاه و...) و تلاش در به دست آوردن راه کارهای مناسب برای نزدیک شدن به آن اهداف. ۶. نیروسازی.

کارگری منتظر واقعی است که به این نیت تلاش و کار می کند که جامعه ای با پایه های قوی اقتصادی و درخور حکومت حضرت مهدی (عج) بسازد.

معلم و استادی منتظر واقعی است که به این نیت درس بدهد که شاگردانی تربیت کند تا بازوان پرتوانی در حکومت جهانی باشند. دانش آموزی، منتظر واقعی است که درس بخواند تا در عصر ظهور بتواند باری از دوش حضرت بردارد.

پدر و مادری منتظر واقعی است که فرزندان خود را به گونه ای تربیت کند که در خدمت اهداف حضرت باشند.

دانشجویی منتظر واقعی است که فراگرفتن تخصص خود را برای حکومت جهانی و تحمل مسئولیتی در آن جایگاه، قرار دهد.

روحانی ای منتظر واقعی است که در مواعظ خود، مردم را تشنه و مهیای برقراری حکومت جهانی نماید. چنانچه مردم از اولین روزهای سیاه غیبت با حال تباه خود آشنا می شدند، عصر ظلمت این گونه طولانی نمی شد.

### علائم ظهور

علائم ظهور منجی عالم بشریت حضرت مهدی (عج) به دو دسته تقسیم می شوند:

دسته اول: علائم حتمی ظهور هستند که با آشکار شدن آنها ظهور حضرت قطعی می شود.

دسته دوم: علائم غیر حتمی هستند که نشان از نزدیکی ظهور حضرت دارند و رخ دادن آنها حتمی نیست یعنی این احتمال وجود دارد که ظهور بدون این علائم تحقق یابد و در روایات و احادیث معصومین (علیهم السلام) به آنها اشاره شده است.

**علائم حتمی ظهور:** علائم حتمی، علائمی هستند که پیش از ظهور حتماً اتفاق خواهند افتاد. با ظهور این علائم، مردم متوجه نزدیک شدن ظهور و به پایان رسیدن شب سیاه و ظلمانی می شوند و پس از آن حضرت ظهور می فرمایند و جهان را با عدالت و حکومت خود، از ظلمها و بدیها می رهانند.

در اینجا به تبیین برخی از علائم حتمی ظهور می پردازیم:

۱. **دجال:** تاریخچه دجال به قبل از اسلام برمی گردد در کتاب انجیل نام دجال نیز به میان آمده است از آیات انجیل استفاده می شود که دجال به معنای دروغگو و گمراه کننده است و چنین استفاده می شود که داستان خروج دجال و زنده بودنش در آن زمان هم در بین نصاری شایع بوده و در انتظار خروجش بوده اند. در اسلام نیز سخن از دجال به میان آمده است و روایاتی در این موضوع وارد شده است، که روایات اهل سنت در این باب به مراتب بیشتر از روایاتی است که در منابع شیعه موجود می باشد و اکثر روایات شیعه نیز در این موضوع برگرفته شده از منابع حدیثی اهل سنت می باشد. در مجموع می توان بیان نمود که دو دیدگاه راجع به دجال وجود دارد:

الف) دجال شخصی: که در برخی روایات توصیفاتى برای او ذکر شده است مانند اینکه دجال مردی چاق و سرخ رو است. موی سر مجعد و چشم راست او مانند دانه انگوری است که بر روی آب قرار دارد.

ب) دجال نوعی و نمادین: آیت الله سید محمد صدر در کتاب تاریخ ما بعدالظهور می فرماید: مفهوم دجال، نماد پیچیده ترین و خطرناک ترین دشمن اسلام و خداست این در واقع توصیف نمودن جهان بینی ماتریالیستی غرب است. عده ای دیگر از بزرگان نیز دجال را نماد می دانند و این نکته را نیز باید توجه داشت جدا از این که روایات دجال قابل اعتماد هستند یا خیر و اینکه شیعه هم مانند اهل سنت مسئله دجال را قبول دارند یا نه و با چشم پوشی از اینکه دجال شخصی است یا نوعی یک نظریه دیگری نیز درباره دجال وجود دارد و آن اینکه دجال را بعضی جزء اشراط الساعه یا علائم قیامت شمرده اند. اگر این احتمال پذیرفته شود پرونده بحث دجال در باب علائم ظهور بسته خواهد شد خصوصاً که بعضی روایات این برداشت را تأیید می نمایند از جمله روایتی از پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - که ۱۰ نشانه قبل از وقوع قیامت را شمارش می فرمایند از جمله خروج دجال که در منابع مختلف و معتبر این روایت نقل شده است.

۲. سفیانی: در خصوص سفیانی دو دسته روایت داریم:

دسته اول این که: پیش از ظهور حضرت حجت (عج) مردی از نسل ابوسفیان خروج می کند که مردی است ظاهرالصلاح و به ذکر خدا مشغول ولی پلید و فریب کار است. و دسته دوم این که: سفیانی جنبه توصیفی داشته باشد نه شخصی. یعنی در مقابل هر مرد انقلابی و مصلح راستین یک (یا چند) سفیانی قد علم خواهند کرد.

۳. سید حسنی: براساس احادیث و روایات، خروج سید حسنی، از نشانه های ظهور حضرت مهدی (عج) است. امام صادق (ع) فرمودند:



سیدحسنی جوانی خوش سیماست که از سرزمین دیلم و قزوین برای نصرت و یاری آل محمد - صلی الله علیه و اله - قیام می نماید و با بانگی رسا و بیانی شیوا فریاد برمی آورد که به یاری آل محمد - صلی الله علیه و اله - برسید و از شما طلب یاری می کند. مردانی از طالقان که شوق شدید به جهاد دارند به او پاسخ مثبت می دهند.

شیخ عباس قمی (ره) آورده است: سیدحسنی از اولاد حضرت امام حسن مجتبی - علیه السلام - است. او دعوی باطل ندارد و ادعای مهدویت یا نیابت امام زمان بودن را ندارد و مردم را به نفس خود دعوت نمی کند و از شیعیان مخلص ائمه اثنی عشر و تابع دین حق است و در بین مردم مطاع و بزرگ است و در گفتار و کردار موافق با شریعت حقه خاتم الانبیاء محمد - صلی الله علیه و اله - است. در زمان او کفر و ظلم، عالم را فراگرفته است و مردم از دست ستمگران و فاسقان در اذیت و آزار به سر می برند. در چنین شرایطی سیدحسنی برای نصرت دین استغاثه می کند و مردم او را اجابت نمایند.

امام صادق - علیه السلام - می فرماید: به خدا سوگند که آن جوان، حضرت را می شناسد و می داند که او برحق است، لکن مقصودش این است که حقیقت او را بر مردم و یارانش روشن کند، سپس حضرت دلایل امامت و موارث انبیاء را برای او ظاهر می نماید و معجزاتی از او صادر می شود. در آن هنگام، سیدحسنی و یارانش با آن حضرت بیعت می کنند.

۴. سیدخراسانی: قیام سیدخراسانی یکی از علائم و نشانه های ظهور مهدی موعود (عج) معرفی شده است و روایات زیادی در این زمینه نظیر روایت ذیل وجود دارد: «خروج خراسانی، سفیانی و یمانی در یک سال و یک ماه و یک روز است» و در برخی از روایات خراسانی و سفیانی به دو اسب مسابقه تشبیه شده اند که خراسانی از مشرق و

سفیانی از مغرب به طرف کوفه در حرکت اند.

۵- صیحه آسمانی: یکی از علائمی که در روایات بسیاری از آن یاد شده است، صیحه آسمانی است و آن آوای جبرئیل است در هنگام ظهور، که خبر ظهور قائم (عج) را می دهد و به نام حضرت و نام پدرش ندا سومی دهد.

**علائم غیر حتمی ظهور:** علائم غیر حتمی، با ظهور ارتباط استلزامی ندارند، زیرا ممکن است برخی از آنها اصلاً واقع نشود ولی ظهور تحقق یابد و احتمال دارد برخی از نشانه ها حادث شود ولی ظهور توأم و هم زمان با آنها شکل نگیرد، بدین بیان که: این نشانه ها، بیان گر ظرف تحقق ظهور باشند، مانند این که گفته شود: نامه رسان هنگامی می آید که هوا صاف باشد. منظور این است که نامه رسان در زمان نامساعد بودن هوا نخواهد آمد، نه این که هر وقت هوا صاف بود او می آید. در باب علائم ظهور نیز تعدادی از علائم غیر حتمی پیش از ظهور اتفاق می افتد.

گسترش و فراگیر شدن فساد: فساد شرط ظهور مصلح کل نیست تا با دامن زدن به آن، تحقق ظهور را شتاب بخشیم. فساد و اصلاح، دو نقطه مقابل و ضد یکدیگرند و ایجاد فساد، تناسبی با تحقق اصلاح و ظهور مصلح کل ندارد. به صراحت قرآن، یکی از اهداف آمدن انبیا و فرستادن کتاب های آسمانی، رساندن مردم به این سطح از رشد و فرهنگ و تعالی است که خود با اختیار، قسط و عدل را برپا دارند. پس فساد شرط ظهور نبوده بلکه از نشانه های ظهور است.

از سوی دیگر آنچه که در روایات درباره تکلیف شیعیان در عصر غیبت و اقدامات برای نزدیکی ظهور آمده است بیان گر پرهیزکاری و تهذیب نفس در این عصر است و باتوجه به این روایات روشن است که از جمله چیزهایی که موجب فراهم آمدن زمینه های ظهور است پرهیزکاری و تقوا است نه فساد و تباهی.

## وقایع ظهور حضرت مهدی (عج)

اقدامات حضرت در شهر مکه:

۱. معرفی: حضرت امام سجاد - علیه السلام - می فرمایند: «آن حضرت به سخن گفتن پرداخته و می فرمایند که ایها الناس من فلانی (مهدی) پسر فلانی (امام عسکری - علیه السلام -) هستم. من پسر پیغمبر خدا (ص) هستم. دعوت می کنم شما را به آنچه پیغمبر خدا به آن دعوت می کرد.»

۲. دفاع در برابر مهاجمان: در ادامه حدیث فوق آمده: «پس هجوم می آورند که او را بکشند پس سیصد و سیزده تن از او دفاع می کنند.»

۳. نیایش: پس از دفاع «حضرت بین دو نقطه رکن و مقام چهار رکعت نماز می گزارند.»

۴. بیعت گرفتن: حضرت امام صادق (ع) می فرمایند: «پس آن گاه به اسم او از آسمان ندا شود و او در پشت مقام باشد. اصحاب به ایشان عرض می کنند: اکنون دیگر به اسم شما ندا شد، منتظر چه هستید؟ آن گاه دست او را بگیرند و برای بیعت عمومی بیاورند...»

۵. سخنرانی مراسم اخذ بیعت: «و اولین جمله‌ای که ایشان با آن کلام خود آغاز می کند این آیه است: «بقیة الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین: باقیمانده حجت خدا برای شما بهتر است البته اگر مؤمن بوده‌اید. سپس بگوید: من بقیة الله هستم.» آن گاه سیصد و سیزده نفر با او بیعت کرده و دیگران هم بیعت می کنند.

۶. تکمیل تعداد یاران تا ۱۰ هزار نفر اصلی.

برخی اقدامات دیگر امام هنگام ظهور:

هدف از قیام حضرت مهدی (عج) برپائی حکومت عدل الهی در سراسر جهان است. و اداره سرزمینی به گستردگی دنیا، کاری بس دشوار



است، که تنها با برخورداری از رهبری الهی و حاکمیت اسلام امکان پذیر است. و حضرت مهدی (عج) زمانی زمام امور را به دست می گیرد که دنیا وارث انبوهی از نابسامانی‌ها، بی عدالتی‌ها و عقیده‌های انحرافی می باشد. و از طرفی، علم، رأفت و مهربانی، گسترش فرهنگ اسلامی و آثار مذهب و دین داری در همه جا تجلی می کند. و تمامی دنیا تحت تأثیر قرار می گیرد. و دستورات اسلامی به طور کامل اجرا می گردد. زیرا پس از تجلی حکومت الهی عقل‌ها بیدار و خردها سالم می شود.

بنابراین، آنچه که از روایات به دست می آید، ظهور حضرت مهدی (عج)، ظهور حکومت عدل الهی، ظهور رحمت، رأفت، امنیت، آسایش، صمیمیت و... می باشد. غرض از حکومت الهی جز اجرای فرمان‌های او و هدایت به صراط مستقیم چیزی دیگر نمی باشد. امام صادق - علیه السلام - می فرماید: «به خدا سوگند، به طور حتم عدالت مهدی (عج) به درون خانه‌ها نفوذ می کند، همچنان که سرما و گرما در آن وارد می شود.»

یکی از اقدامات امام پس از ظهور مقابله با دشمنان است. بر اساس حکم عقل و تعالیم انسان ساز اسلام مقابله با منحرفان و معاندان تنها پس از عرضه اسلام و تمام شدن حجت بر آنها جایز خواهد بود و تا زمانی که اسلام بر آنها عرضه نشده و حقانیت اسلام و حضرت مهدی (عج) بر ایشان آشکار نشده است، مقابله با آنها برخلاف حکم عقل و اصول دین اسلام خواهد بود. اصل اولیة اسلام در مواجهه با دیگران تلاش برای هدایت آنهاست و جنگ و درگیری نیز به خاطر اصلاح آدمیان است. امام علی - علیه السلام - در این باره می فرماید: پیامبر مرا به سوی یمن فرستاد و به من فرمود: ای علی با هیچ کس جنگ مکن مگر پس از آن که او را به اسلام دعوت کنی. به خدا سوگند اگر خداوند به دست تو یک نفر را هدایت کند برای تو از آنچه خورشید بر آن طلوع و غروب می کند بهتر است.

وقتی حضرت مهدی (عج) ظاهر شد و برنامه انقلابی و اصلاحی اسلام را به گوش آنان رسانید، بسیاری از مردم اسلام را قبول می کنند زیرا استعداد مردم برای درک حقایق به حد کمال رسیده است و از طرفی معجزاتی را به دست امام عصر (عج) مشاهده می کنند و اوضاع عمومی جهان را غیرعادی و فوق العاده می یابند و اعلام رهبر انقلاب جهانی به گوششان می رسد. این اوضاع سبب می شود که مردم جهان فوج فوج به دست مهدی (عج) اسلام را اختیار نمایند.

بنابراین حضرت قائم (عج) همانند دیگر ائمه - علیهم السلام - نخست به موعظه و ارشاد می پردازد و در صورت لزوم شدت عمل به خرج می دهند. زیرا همه امامان معصوم عاشق حقیقت و راهنمای حقند. از نثار کردن مهر و محبت به توده مردم دریغ نکرده اند و رشد روزافزون و ترقی و تکامل بشر سرلوحه دعوتشان بوده است.

حال در عصر امام عصر (عج) که مردم از اطلاعات و معرفت بیشتری نسبت به سایر امت های قبل بهره مند می گردند و حق و راه حق برایشان آفتابی می شود، روش حضرت قائم (عج) نیز به تبع این تغییرها با سیره سایر امامان تفاوت پیدا می کند.

امام صادق - علیه السلام - فرمود: علم و دانش از شهر قم به تمام بلاد شرق و غرب پخش می شود و حجت بر جهانیان تمام می گردد، به طوری که در تمام زمین فردی پیدا نمی شود که علم دین به گوشش نرسیده باشد. بعد از آن، قائم ما ظهور می کند.

آری با ظهور منجی بشریت، روزگار موعظه و خواهش از زورمداران تمام می شود. از قدیمی ترین روزگاران که پیامبران آمدند، همواره، بشر را به عمل صالح موعظه کردند، و نتایج آن را در تاریخ دیده ایم. اما روزگار مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف -، روزگار خوار ساختن زورمداران است.

## مهدویت در ادیان دیگر

بی تردید موضوع مهدویت از موضوعاتی است که نه تنها دین اسلام به ویژه مذهب شیعه به آن پرداخته، بلکه در ادیان ابراهیمی و غیر ابراهیمی دیگر نیز مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است که به برخی موارد اشاره می‌شود.

### مهدویت در ادیان ابراهیمی:

**بشارات ظهور مهدی (عج) در عهد قدیم:** در کتاب عهد قدیم که تشکیل شده از چند کتاب آسمانی است و هم‌اکنون در دست اهل کتاب و مورد قبول آنها است، بشارات زیادی از آمدن مهدی موعود و ظهور مصلحی جهانی در آخرالزمان آمده است که چون مضمون‌های آن بشارات در قرآن کریم و احادیث قطعی و متواتر اسلامی به صورت گسترده‌ای وارد شده و نشان می‌دهد که مسأله «مهدویت» اختصاص به اسلام ندارد، قسمتی از آن بشارات را در اینجا می‌آوریم.

**الف) بشارت ظهور حضرت مهدی (عج) در «زبور داوود»:** در زبور حضرت داود - علیه السلام - که تحت عنوان «مزامیر» در لابلای کتب «عهد عتیق» آمده، نویدهایی درباره ظهور حضرت مهدی - عج - به بیان‌های گوناگون داده شده است و می‌توان گفت: در هر بخشی از «زبور» اشاره‌ای به ظهور مبارک آن حضرت و نویدی از پیروزی صالحان بر شریران و تشکیل حکومت واحد جهانی و تبدیل ادیان و مذاهب مختلف به یک دین محکم و آیین جاوید و مستقیم، موجود است.

و جالب توجه اینکه، مطالبی که قرآن کریم درباره ظهور حضرت مهدی (عج) از «زبور» نقل کرده است عیناً در زبور فعلی موجود است و از دست‌برد، تحریف و تفسیر مصون مانده است.

قرآن کریم چنین می‌فرماید: «ما علاوہبر ذکر (تورات) در «زبور» نوشتیم که (در آینده) بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد.»

مقصود از «ذکر» در این آیه شریفه، تورات موسی - علیه السلام - است که زبور داود - علیه السلام - پیرو شریعت تورات بوده است. این آیه مبارکه از آینده درخشانی بشارت می‌دهد که شر و فساد به کلی از عالم انسانی رخت بر بسته و اشرار و ستمکاران نابود گشته‌اند و وراثت زمین به افراد پاک و شایسته منتقل گردیده است. زیرا «وراثت و میراث» در لغت، در موردی استعمال می‌شود که شخص و یا گروهی منقرض شوند و مال و مقام و همه هستی آنها به گروهی دیگر به وراثت منتقل شود.

به هر حال، طبق روایات متواتره اسلامی - از طریق شیعه و سنی - این آیه شریفه مربوط به ظهور مبارک حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - می‌باشد، و قرآن کریم این مطلب را از زبور حضرت داوود - علیه السلام - نقل می‌کند، و عین همین عبارت در زبور موجود است. و اینک متن زبور: «(۹) زیرا که شیران منقطع می‌شوند. اما متوکلان به خداوند، وارث زمین خواهند شد. (۱۰) و حال اندکست که شیر نیست می‌شود که هر چند مکانش را جستجو نمایی ناپیدا خواهد بود (۱۱) اما متواضعان وارث زمین شده از کثرت سلامتی متلذذ خواهند شد (۱۲) شیر به خلاف صادق افکار مذمومه می‌نماید، و دندان‌های خویش را بر او می‌فشارد (۱۳) خداوند به او متبسم است چون که می‌بیند که روز او می‌آید (۱۴) شیران شمشیر را کشیدند و کمان را چله کردند تا آنکه مظلوم و مسکین را بیندازند و کمان‌های ایشان شکسته خواهد شد (۱۶) کمی صدیق از فراوانی شیران بسیار بهتر است. (۱۷) چون که بازوهای شیران شکسته می‌شود و خداوند صدیقان را تکیه‌گاه است (۱۸). خداوند روزهای صالحان را می‌داند و میراث ایشان ابدی خواهد بود (۱۹) در زمان «بلا» خجل نخواهند شد و در ایام قحطی سیر خواهند بود (۲۰) لکن شیران هلاک خواهند شد و دشمنان خداوند، مثل پیه بره‌ها فانی



بلکه مثل دود تلف خواهند شد؛ (۲۲) زیرا متبرکان خداوند، وارث زمین خواهند شد، اما ملعونان وی منقطع خواهند شد (۲۹) صدیقان وارث زمین شده، در آن ساکن خواهند شد (۳۴) به خداوند پناه برده، راهش را نگاهدار که تو را به وراثت زمین بلند خواهند کرد و در وقت منقطع شدن شیران این را خواهی دید (۳۸) اما عاصیان، عاقبت مستأصل، و عاقبت شیران منقطع خواهند شد».

ب) بشارت ظهور حضرت مهدی (عج) در کتاب «دانیال نبی»: در کتاب دانیال نبی نیز بشارت ظهور حضرت مهدی (عج) مطابق بشارات انبیای گذشته، چنین آمده است: «... امیر عظیمی که برای پسران قوم تو ایستاده است، خواهد برخاست و چنان زمان تنگی خواهد شد که از حینی که امتی به وجود آمده است تا امروز نبوده و در آن زمان هریک از قوم تو، که در دفتر مکتوب یافت شود رستگار خواهد شد و بسیاری از آنانی که در خاک زمین خوابیده‌اند بیدار خواهند شد، اما اینان به جهت حیات جاودانی و آنان به جهت خجالت و حقارت جاودانی و حکیمان مثل روشنائی افلاک خواهند درخشید و آنانی که بسیاری را به راه عدالت رهبری می‌نمایند مانند ستارگان خواهند بود تا ابد الآباد.

اما تو ای دانیال! کلام را مخفی دار و کتاب را تا زمان آخر مهر کن. بسیاری به سرعت تردد خواهند نمود و علم افزوده خواهد گردید... خوشا به حال آنکه انتظار کشد».